

عنوان مقاله:

بررسی تاثیر هوش فرهنگی بر عملکرد سازمانی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسندگان:

رویا اکبری - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، مرکز یزد، دانشگاه پیام نور، یزد، ایران.

منا حجتی - کارشناس ارشد تصویرسازی، ایران.

حسین نصرالهی

خلاصه مقاله:

هوش یکی از جذابترین یا مهمترین وجالبترین فرایندهای روانی است که جلوه های آسوده موجودات مختلف و به میزان متفاوت مشاهده میشود و هر چه موجودات از تکامل بیشتری بهره مند باشند، از نظر هوش نیز پیشرفتهتر و به همان اندازه از پیچیدگی بیشتری نیز برخوردارند. کلمه هوش، تحت عنوان عقل و خرد، از دیرباز در مباحث فلسفی ادیان مختلف به کار رفته است. اما مطالعه آن به شکل علمی از اوایل قرن بیستم آغاز شده است. وقتی روانشناسان شروع به نوشتن و تفکر در مورد هوش کردند. ابتدا بیشتر روی جنبه های شناختی آن مانند حافظه و حل مساله متمرکز شده بودند. به طور سنتی بهره هوشی (IQ) عبارت است از نسبت سن عقلی بر سن تقویمی ضرب در 100. اگر سن عقلی برابر با سن تقویمی باشد، در این صورت بهره هوشی برابر با 100 خواهد بود. با این وجود، از آنجایی که مشکلاتی در ارتباط با مقایسه گروه های سنی وجود دارد، در آزمونهای جدید میزان بهره هوشی را از طریق محاسبه ساده فوق به دست نمی آورند. در اینجا صرفاً 0 میگوئیم که آزمونهایی وجود دارند که با پایایی بالایی دست یابی به تواناییهای معینی را ممکن می سازند، این آزمونها، امکان سنجش رفتار قابل مشاهده را که به واسطه آن پی به باهوش بودن فرد میبریم میسازند. بسیاری از روانشناسان و دیگر متخصصان، آزمونهای بهره هوشی را به باد انتقاد گرفتهاند. دلیل انتقاد این افراد این است که آزمونهای بهره هوشی به میزان زیادی رفتار خاصی را مورد سنجش قرار میدهند و از توجه به مولفه های شناختی غافلند. در این مقاله سعی بر آن است که تاثیر هوش فرهنگی، اجتماعی مدیران، مربیان و افرادی که دارای سابقه فعالیت در بخش فرهنگی و هنری را دارا هستند بر عملکرد این موسسات مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، امید است نتایج این تحقیق مورد توجه واقع شود.

کلمات کلیدی:

هوش فرهنگی، اجتماعی، موسسات هنری.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/919886>

